

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب فاطمه قربانی دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۱۱۱۱۵۳۱۱۵ که در تاریخ ۹۳/۴/۱۰ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان بررسی رابطه انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بی‌سرپرست دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به‌عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه قربانی

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه آموزشی روان‌شناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی

عنوان:

رابطه انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت
تحصیلی در نوجوانان بی‌سرپرست

استاد راهنما

دکتر اوشا برهمند

استاد مشاور

دکتر سجاد بشرپور

پژوهشگر

فاطمه قربانی

تیر ۱۳۹۳



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه آموزشی روان‌شناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی

عنوان:

رابطه انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت
تحصیلی در نوجوانان بی‌سرپرست

پژوهشگر

فاطمه قربانی

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی

نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی علمی	سمت	امضاء
دکتر اوشا برهمند	دانشیار	استاد راهنما و رییس کمیته‌ی داوران	
دکتر سجاد بشرپور	استادیار	استاد مشاور	
دکتر نادر حاجلو	دانشیار	داور	

تیر ۱۳۹۳

تقدیم ہے:

پدر و مادر عزیزم کہ مشوق و حامی من در این راہ بودند

و

تامی کودکان و نوجوانان بی سرپرست

پاسکزاری:

خدا را سپاس بی کران برای لطف و گذشت بی کرانش.....

سایش از آن آفریننده ای است در اوج توانایی.....

و بیننده ای است در اوج دانایی.....

و شنوایی است در اوج اغماض و

چشم پوشی.....

از استاد عزیزم خانم دکتر اوشا برهنده که مهربانانه و دلسوزانه راهنمایی من بودند و استاد بزرگوارم آقای دکتر سجاد بشیرپور که صبورانه و خالصانه مرا در این

راه هدایت فرمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

نام خانوادگی دانشجو: قربانی	نام: فاطمه
عنوان پایان‌نامه: بررسی رابطه انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بی‌سرپرست	
استاد راهنما: دکتر اوشا برهمند	
استاد مشاور: دکتر سجاد بشرپور	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: روان‌شناسی
گرایش: عمومی	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: علوم تربیتی و روان‌شناسی	تاریخ دفاع: ۹۳/۴/۱۰
	تعداد صفحات: ۱۰۱
چکیده:	
<p>هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بی‌سرپرست بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه نوجوانان بی‌سرپرست مرکز بهزیستی شهر همدان تشکیل داد ($N=83$). به علت محدود بودن جامعه، کل جامعه به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. روش این پژوهش همبستگی بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه استفاده شد. پیشرفت تحصیلی نیز بر اساس معدل محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون، مانوا و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که بین انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی نوجوانان بی‌سرپرست ($p < 0/01$)، بین میزان خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی ($p < 0/001$) و بین اشتیاق به مدرسه و پیشرفت تحصیلی ($p < 0/001$) رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که انگیزش درونی از مولفه‌های انگیزش تحصیلی، اعتماد دانش‌آموز یکی از مولفه‌های خودپنداره تحصیلی و اشتیاق رفتاری از مولفه اشتیاق به مدرسه قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند. مقایسه نوجوانان دارای معدل بالا و پایین نشان داد که نوجوانان بی‌سرپرستی که از معدل بالایی برخوردار بودند از انگیزش درونی و بیرونی، اعتماد دانش‌آموز، اشتیاق رفتاری و هیجانی بیشتری برخوردار بودند ولی در اشتیاق شناختی تفاوتی دیده نشد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که با اقداماتی جهت افزایش انگیزه تحصیلی و خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه می‌توان در میزان پیشرفت تحصیلی آنان تاثیر گذاشت.</p>	
کلید واژه‌ها: انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی، اشتیاق به مدرسه، پیشرفت تحصیلی، بی‌سرپرستی	

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۱-۱-مقدمه	۲
۲-۱-بیان مساله	۵
۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش	۱۰
۴-۱-متغیرهای پژوهشی	۱۱
۵-۱-فرضیه های پژوهشی	۱۱
۶-۱-اهداف پژوهشی	۱۲
۷-۱-تعاریف نظری و عملیاتی	۱۳

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲-پیشرفت تحصیلی	۱۶
۱-۱-۲-تاریخچه تحقیق در زمینه پیشرفت تحصیلی	۱۶
۲-۱-۲-عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی	۱۷
۲-۲-انگیزش تحصیلی	۲۵
۱-۲-۲-مبانی نظری	۲۸
۳-۲-خودپنداره	۳۶
۱-۳-۲-ریشه های خودپنداره	۳۸
۲-۳-۲-ویژگی های خودپنداره	۳۹
۳-۳-۲-خودپنداره تحصیلی	۴۱
۴-۳-۲-رابطه خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی	۴۴
۵-۳-۲-مبانی نظری	۴۵
۴-۲-اشتقاق به مدرسه	۴۷
۱-۴-۲-اشتقاق دانش آموز و موفقیت تحصیلی	۴۸
۲-۴-۲-اشتقاق و پیشرفت در مدرسه	۵۰
۳-۴-۲-ارتباط اشتقاق دانش آموز و مهارت های خواندن و نوشتن	۵۱
۴-۴-۲-ارتباط بین اشتقاق دانش آموزان و زمینه خانوادگی	۵۱
۵-۴-۲-مبانی نظری	۵۲
۵-۲-پیشینه های پژوهشی	۵۴
۱-۵-۲-پیشینه های مربوط به انگیزش تحصیلی	۵۴
۲-۵-۲-پیشینه های مربوط به خودپنداره تحصیلی	۵۶
۳-۵-۲-پیشینه های مربوط به اشتقاق به مدرسه	۵۷

فصل سوم: روش اجرا

۶۰	۱-۳- روش تحقیق.....
۶۰	۲-۳- جامعه آماری.....
۶۰	۳-۳- نمونه و روش نمونه گیری.....
۶۰	۴-۳- ابزارهای پژوهشی.....
۶۳	۵-۳- روش اجرا.....
۶۳	۶-۳- روش تجزیه و تحلیل آماری.....

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۶۵	۱-۴- یافته های مربوط به فرضیه ها.....
----	---------------------------------------

فصل پنجم

۷۵	نتیجه گیری و بحث.....
۸۲	محدودیت های پژوهش.....
۸۲	پیشنهادات و راهکارهای پژوهش.....

فهرست منابع و مآخذ

۸۳	منابع فارسی.....
۸۷	منابع انگلیسی.....
۹۸	پیوست ها و ضمایم.....
۹۹	پرسشنامه اشتیاق به مدرسه.....
۱۰۰	پرسشنامه خودپنداره تحصیلی.....

فهرست جدول ها

۶۵	جدول ۴-۱: اطلاعات جمعیت شناختی.....
۶۶	جدول ۴-۲: توزیع فراوانی آزمودنی ها بر اساس سطح پیشرفت تحصیلی.....
۶۶	جدول ۴-۳: توزیع فراوانی آزمودنی ها بر اساس سطح انگیزش تحصیلی.....

- جدول ۴-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس سطح خودپنداره تحصیلی..... ۶۷
- جدول ۴-۴: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس سطح اشتیاق به مدرسه..... ۶۷
- جدول ۴-۵: میانگین و انحراف معیار و ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی..... ۶۷
- جدول ۴-۶: میانگین و انحراف معیار و ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی..... ۶۸
- جدول ۴-۷: میانگین و انحراف معیار و ضریب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه اشتیاق به مدرسه و پیشرفت تحصیلی..... ۶۹
- جدول ۴-۸: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی تفاوت نوجوانان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین..... ۶۹
- جدول ۴-۹: نتایج تحلیل رگرسیون پیشرفت تحصیلی، انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه نوجوانان بی‌سرپرست..... ۷۱

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

کودکان بی سرپرست به افراد زیر هجده سالی می گویند که از حضور تربیتی، روانشناختی و حمایتی مؤثر والدین و زندگی در خانواده محروم هستند. این کودکان با معرفی مقام قضایی به سازمان بهزیستی سپرده می شوند (اصغری نکاح، حیدری دربندی، ۱۳۸۹). در این پژوهش منظور از کودکان بی سرپرست تمام افراد زیر ۱۸ سالی بود که در مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست سازمان بهزیستی شهر همدان نگه داری می شوند. عدم مراقبت پیوسته از کودک دلیلی برای عدم انطباق کودک و خانواده، مشکلات رفتاری، شناختی، هیجانی، رشدی و مشکلات اجتماعی او می شود (آکپالو^۱، ۲۰۰۷). کودکان بی سرپرست که از عاطفه مادرانه و عشق و روابط صمیمی والدین محروم بوده اند غالباً از اختلالات عاطفی، نایمی، احساس وابستگی یا طرد، گروه گریزی یا گروه گرایی حاد رنج می برند (زاده محمدی، ملک خسروی، صدرالسادات، بیرشک، ۱۳۸۵). علت روز افزون ناسازگاری ها و بی سرپرست شدن کودکان و نوجوانان را از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و گرسنگی، اعتیاد و نظایر آنها می دانند (میلانی فر، ۲۰۰۸). همچنین سردی و بی روحی روابط در خانواده ها و حساس نبودن والدین نسبت به آینده فرزندان و عواطف و احساسات آنها کودکان بی سرپرستی به جا می گذارد که این کودکان برای ادامه زندگی به مؤسسه های خیریه و مراکز شبانه روزی بهزیستی سپرده می شوند (نمینی، ۱۹۹۴). بنابراین با توجه به اهمیت خانواده در ایجاد دلبستگی ایمن، می توان گفت فقدان آن در مراکز، شبه خانواده می تواند کودکان اینگونه مراکز را در معرض ناامیدی قرار دهد. بی سرپرستی شاخص ریسک بالاست و کودکان و نوجوانان بی سرپرست علاوه بر امکانات مالی محدود، مراقبت ناکافی سلامتی و تغذیه ضعیف، در معرض عوامل خطر ساز مخصوص به بی سرپرستی نیز قرار دارند نظیر اختلالات اضطرابی، واکنش های نورو نیک، مشکلات تحصیلی و عزت نفس پایین. معمولاً در خانواده ها والدین به شیوه های مختلف جهت تسهیل پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می کوشند. با فراهم آوردن مراقبت صمیمانه، والدین می توانند از گسترش مهارت های شناختی و خود تنظیمی مهم حمایت کنند. همچنین والدین به فرزندان خود از طریق القای انتظارات مثبت در مورد پیشرفت، تشویق حضور در مدرسه، ارائه کمک با تکالیف تحصیلی و

¹.Akpalu

حفظ ارتباط مرتب با معلمین، اهمیت مدرسه را به فرزندان انتقال می دهند. کودکان بی سرپرست از آنجایی که از این عوامل محافظت کننده و تسهیل کننده ی فرزندپروری محروم هستند در معرض عواملی که پیشرفت تحصیلی آنان را در خطر می اندازد قرار دارند. واضح است که همه کودکان و نوجوانان بی سرپرست مشکلات تحصیلی و سازگاری را تجربه نمی کنند به طوری که پژوهش ها نشان داده است که بعضی از آنها تاب آوری را نشان می دهند در حالی که عده ای دیگر مشکلات جدی را تجربه می کنند، مانند کودکانی از خانواده های نامساعد. کودکان بی سرپرست با مهارتهای تحصیلی به طور قابل توجه پایین تر از کودکان عادی را نشان می دهند که آنها را برای مشکلات تحصیلی در سالهای اولیه و بعدی و فراتر از آن مستعد می کند. علاوه بر این وضعیت نامساعد تحصیلی، مشکلات دیگر مرتبط با بی سرپرستی : توجه، درگیری، انگیزه و مهارتهای اجتماعی این کودکان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. موفقیت تحصیلی برای موفقیت بعدی در شرایط شغلی و اجتماعی حیاتی است. سالهایی که در دوران نوجوانی در مدرسه سپری می شود برای نوجوانان نه تنها مهارت های اساسی تحصیلی را فراهم می کند بلکه ابزارهای اساسی برای یادگیری در کسب دانش را نیز به آنها می بخشد. انتظار می رود که موفقیت تحصیلی، خود پنداره این کودکان را افزایش می دهد و آنها با انگیزه مناسب درگیری لازم را برای انجام تکالیف پیدا می کنند که این در بزرگسالی در زمینه شغلی و اجتماعی و ... تداوم پیدا می کند و نهایتاً در شدن یک شهروند بارور به جامعه کمک می کند. نوجوانان بی سرپرست از آنجایی که در معرض عوامل خطر ساز مختلفی هستند ویژگی های لازم برای موفقیت در بزرگسالی از جمله خودپنداره مثبت، انگیزه پیشرفت و اشتیاق به مدرسه و شغلی در خطر می افتد. با شناسایی درصد نوجوانانی که در معرض خطر هستند می توان اقدامات مناسب حل مساله و پیشگیرانه انجام داد تا بتوانند شهروندان باروری باشند (نمینی، ۱۹۹۴). منظور از بی سرپرستی نبود یک رابطه موثر کودک با والدین است که می تواند طیف وسیعی از کودکان شبانه روزی، کودکان بی خانمان، کودکان تک والدین، کودکان خانواده های آواره، و ناتوان از سرپرستی موثر بر کودک را شامل می شود. تعداد کودکان بی سرپرست در جامعه زیاد می باشد به طوری که براساس آمار سال ۱۳۹۰، ۲۲۵۰۰ کودک و نوجوان در خانه های تحت پوشش و همچنین خانواده های جایگزین نگهداری می شوند همچنین بر اساس اطلاعات بدست آمده، ۱۳ درصد آنها بی- سرپرست هستند (دفتر امور کار و نوجوانان سازمان بهزیستی، ۱۳۹۰؛ به نقل از فرج زاده، پورشریاری، رضائیان، آهنگرانزایی، ۱۳۹۱).

تقریباً تمام پژوهشگرانی که کودکان و فرزندان موسسه ای را مطالعه کرده اند به این نکته اساسی تاکید داشته اند که نوجوانان موسسه ای یک شخصیت خاص غیر عادی پیدا می کنند، از جمله ویژگی

های مشخص این فرزندان نداشتن اعتماد به نفس، بی رنگ بودن محبت، ناسازگاری اجتماعی، ترس و اضطراب و پرخاشگری است (فرج زاده، پورشهریاری، رضائیان، آهنگرانزایی، ۱۳۹۱). به علت مشکلات ساختاری خانواده و از هم پاشیدن آن و از جهت اینکه فرزندان این مجتمع ها نوعاً از طفولیت طعم زندگی را لمس نکرده و همواره در تنش و کشمکش و بی مهر، در محیط های مملو از ترس و وحشت و بعضاً نا خواسته متولد شده و ادامه زندگی داده اند مشکلاتی برای آنها بوجود آمده است بدین ترتیب این فرزندان دچار مشکلاتی از جمله صرع^۱، اختلالات تبدیلی^۲ و زمینه های اضطرابی^۳ و واکنش های نوروتیک^۴ شده اند. از جمله مشکلات دیگری که در این کودکان نسبت به نرم جامعه بیشتر است می توان به این موارد اشاره کرد: شب ادراری^۵، ناخن جویدن، پرخاشگری، دروغ گویی، بی قراری، انزوا، کمرویی، احساس بی ارزشی، عزت نفس پایین، احساس حقارت، کاهش قدرت تصمیم گیری، آشفتگی فکر، شیشه شکستن، حالت های سادیستی و مازوخیستی، هراس، افسردگی، مشکلات تحصیلی، بیش فعالی همراه با کمبود توجه، تکانه ای بودن، اقدام به خودکشی، رگه هایی از اختلال شخصیت خود شکن، رگه هایی از اختلال شخصیت منفعل مهاجم، و حتی اختلالات سلوک، اختلال پارانوئیدی و نیز اختلالات جنسی و اعتیاد به مواد استنشاقی مثل بنزین و حتی آشغال خوری نیز دیده شده است (صدیق، ۱۳۸۴).

از آنجایی که این گروه از کودکان مشکلات روان شناختی دارند، این امر حاکی از این است که آنها ممکن است در معرض خطر برای مشکلات تحصیلی نیز باشند. نوجوانان بی سرپرست ممکن است در پیشرفت تحصیلی و عوامل مرتبط با آن نظیر انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه دچار مشکل باشند.

باتوجه به نتایج این پژوهش هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بی سرپرست می باشد.

¹.Epilepsy

².Conversion disorder

³.Anxiety

⁴.Neurotic

⁵.Night urina

۱-۲- بیان مساله

در عصر حاضر تعلیم و تربیت و به طور کلی، تحصیل بخش مهمی از زندگی نوجوان را تشکیل می دهد، به علاوه کیفیت و کمیت این تحصیل نیز نقش مهمی در آینده نوجوان، ایفا می کند. بر این اساس نزدیک به یک قرن است که روان شناسان، به صورت گسترده در تلاش برای شناسایی عوامل پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی می باشند. هریس^۱، عوامل تاثیر گذار بر پیشرفت تحصیلی را به عوامل متعددی وابسته می داند، که رفتار اجتماعی، خودپنداره تحصیلی، راهبردهای یادگیری و انگیزش از جمله آنها می باشد. هریس بر اساس پژوهش‌هایی که در مورد پیشرفت تحصیلی انجام گرفته، هوش و انگیزش را به عنوان اصلی ترین تعیین کننده های پیشرفت تحصیلی معرفی می کند (فرسیدز و وود فیلد^۲، ۲۰۰۳).

در جوامع مختلف نیز، گروههای تخصصی و روانشناسان، همواره به بررسی و جوانب مختلف تحصیل آن، تاکید کرده اند، زیرا نه تنها، دانش آموزان و خانواده های آنها، بلکه جامعه نیز هزینه‌های زیادی را جهت تحصیل دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی صرف می کنند. بنابراین دست یافتن به نتایج مثبت در زمینه تحصیل می تواند منجر به پیشرفت همه جانبه دانش آموزان و جامعه گردد. بررسی ها نشان می دهد که هر فرد، جهت ورود به اجتماع و در نتیجه رویارویی با موقعیت‌های گوناگون و افراد مختلف از نظر فرهنگی، اقتصادی، طبقه اجتماعی و ... به پاره‌ای از ابزار مجهز شده است، این ابزارهای فردی را می توان ساختارهای روانی او دانست که می توانند فرد را در مقابله با رویدادهای زندگی، یاری رسانند، این ساختارهای روانی، به طور متقابل تحت تاثیر عوامل مختلفی همانند خانواده، اجتماع، گروه همسالان و ... قرار دارد و از سویی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد.

به همین دلیل محققان همواره به تاثیر این مولفه های روانی بر جنبه های گوناگون زندگی افراد، توجه بسیاری کرده اند، که از این میان می توان به تاثیر این مولفه ها بر عملکرد شغلی، تحصیلی واجتماعی و ... اشاره کرد (کمیلر، دنیلسون و باستن^۳؛ ۲۰۰۵). در این میان پیشرفت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها، مورد توجه روان شناسان، قرار گرفته است. توجه به پیشرفت تحصیلی نیز از زمان بینه آغاز شد. او دریافت که نمرات آزمون های وی قادر است کودکانی که با توجه به مشاهدات کلاس درس «باهوش» و «کم هوش» قلمداد شده بودند را از هم تفکیک کند. بعدها نتایج امتحانات دانش آموزان

^۱.Harris

^۲.Farsides & Woodfield

^۳.Kemmelmeyer, Danielson & Bastten

ملاک قرار گرفت (فاتحی، ۱۳۸۲). در واقع پیشرفت تحصیلی فرایندی است که می توان آن را نتیجه یادگیری دانست. به عبارت دیگر، پیشرفت تحصیلی، معلومات یا مهارت های اکتسابی عمومی یا اختصاصی در موضوع های درسی است که معمولاً به وسیله آزمایش ها یا نشانه ها و یا هردو که معلمان برای دانش آموزان وضع می کنند اندازه گیری می شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۵؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۲). در پیشرفت تحصیلی عوامل زیادی دخالت دارند، که اهم آنها عبارتند از : انگیزش تحصیلی، خود پنداره و اشتیاق به مدرسه (پارسا، ۱۳۷۵).

انگیزش در آموزش و پرورش و نقش آن در پیشرفت تحصیلی از دیر زمان مورد توجه روان شناسان پرورشی قرار دارد اما علی رغم اهمیت انگیزش تحصیلی و تاثیر آن در جنبه های مختلف فردی و اجتماعی، پژوهش های این حوزه با کاستی های زیادی همراه است . از دید روان شناسان و همچنین معلمان ، انگیزش یکی از مفاهیم کلیدی است و برای توضیح سطح مختلف عملکرد به کار می رود . این مفهوم ، تفاوت میزان تلاش برای انسجام تکالیف درسی را بازگو می کند (انتویستل^۱ ، ۱۹۸۸). وقتی در نظام آموزشی، مشکلاتی همچون افت تحصیلی رخ می دهد، از انگیزه یادگیرنده، به عنوان یکی از علل مهم آن یاد می شود. در نظریه های آموزشی، انگیزه هم یک مفهوم اساسی به شمار می رود (بال^۲ ، ۱۹۷۷). انگیزش دانش آموز به طور طبیعی باید با علاقه او به مشارکت در فرایند یادگیری سرو کار داشته باشد، ولی به دلایل و اهداف زمینه ساز این درگیری یا عدم درگیر شدن با فعالیت های آموزشی هم توجه دارد. هر چند ممکن است دانش آموزان به طور یکسان، برای انجام یک تکلیف برانگیخته شوند؛ اما منبع انگیزش می تواند متفاوت باشد. دانش آموزی که از درون برانگیخته شده و فعالیتی را قبول می کند، برای خود آن فعالیت و یا برای لذت ناشی از آن، دانش آموزی که از بیرون برانگیخته شده، برای این کار می کند که پاداشی کسب کند یا از تنبیهات دوری گزینند. (لپر ، ۱۹۸۸؛ به نقل از اسپالدینگ^۳، ترجمه یعقوبی و خوش خلق، ۱۳۷۷). اسپالدینگ^۳ (۱۹۹۲، ترجمه یعقوبی و خوش خلق؛ ۱۳۷۷) انگیزش را کلید یادگیری دانش آموزان می داند. در زمینه انگیزش تحصیلی دانش آموزان، تاکنون مطالعات پراکنده ای در کشور صورت گرفته و نقطه نظرانی بیان شده است. اما هنوز اطلاعات ما درباره ی چگونگی انگیزش تحصیلی و عوامل موثر بر آن ناچیز است انگیزش تحصیلی یک مفهوم پیچیده است و به علل و عوامل گوناگون وابسته است. در سال های گذشته نظریه های گوناگونی در زمینه انگیزش رشد کردند که از

¹.Entwistle

².Ball

³.Spaulding

جمله آنها نظریه خودمختاری دسی و رایان^۱ (۱۹۸۵) است. این نظریه فرض می کند که در انسان تمایل ذاتی و درونی برای رفتار یادگیری وجود دارد که یا توسط محیط پیرامون تشویق و حمایت می شود و یا بالعکس بر اثر بی توجهی تضعیف می گردد. نظریه خودمختاری، انگیزش را به انگیزش درونی^۲، بیرونی^۳ و بی انگیزگی^۴ تقسیم می کند. انگیزش درونی، مبتنی به نیازهای ذاتی برای شایستگی و خودمختاری است و باعث می شود که انسان پیوسته در جستجو و تلاش برای غلبه بر چالش ها باشد و فعالیتی نظیر یادگیری، به خاطر خشنودی و رضایت درونی انجام می شود. انگیزش بیرونی بدین معناست که فرد فعالیتی را به خاطر نفس عمل انجام نمی دهد بلکه آن عمل وسیله ای برای رسیدن به اهداف دیگر نظیر جوایز و پاداش ها است و قسمت سوم که بی انگیزگی است در آن فرد بین رفتار و نتایج آن ارتباطی نمی یابد و علت رفتار را نیروهای خارج از کنترل خود می پندارد (دسی و رایان، ۲۰۰۱). عامل دیگر در پیشرفت تحصیلی خودپنداره می باشد. نویدی (۱۳۷۳) خود پنداره تحصیلی را شاخص تصور دانش آموزان از خود و رابطه ی آن با پیشرفت سایر دانش آموزان کلاس تعریف می کند. این مفهوم بی گمان مبتنی بر بازخوردهایی است که وی در فعالیت های آموزشی از نمره ها، آزمون ها، معلمان، والدین و همسالان خود دریافت می کند. بانگ^۵ (۱۹۹۶) نیز، خود پنداره ی تحصیلی را ادراک شخصی فرد از خود کارآمدی در موضوع های درسی می داند. در این راستا عامل هایی مانند تجارب موفقیت یا شکست تحصیلی در سال های نخست یادگیری آموزشی، ابتدا تصورات مربوط به توانایی های فرد را نسبت به موضوعات درسی (عاطفه مربوط به موضوع درسی) تحت تاثیر قرار می دهد و پس از کسب تجارب بیشتر، عاطفه ی مربوط به آموزشگاه و سرانجام خودپنداره تحصیلی شکل می گیرد. عاطفه ی مربوط به موضوع درسی، علاقه و انگیزه دانش آموز را نسبت به درس های ویژه و عاطفه مربوط به آموزشگاه، نگرش او را نسبت به کل آموزشگاه و خودپنداره تحصیلی تصورات کلی فرد نسبت به توانایی هایش در رابطه با یادگیری آموزشی نشان می دهد (هاشمی، ۱۳۷۴). دانش آموزانی که در دوران تحصیل دچار ضعف و شکست می شوند، در اثر تکرار شکست، باورهای کاذب و محدود کننده می یابند که تداوم و تعمیم آن باعث ثبت خود انگاره منفی^۶ و بازدارنده و ممانعت در ابراز توانایی ها و تحکیم احساس ضعف بیشتر در مراحل بعدی می شود؛ تصور

^۱ Deci & Ryan

^۲ Intrinsic motivation

^۳ Extrinsic motivation

^۴ Amotivation

^۵ Bong

^۶ Negative image

مردود شدن، احتمال مردود شدن در عمل، عدم تلاش برای حل مشکلات و جبران ضعفها و بروز ضعف تحصیلی را افزایش داده و بتدریج جزء شخصیت وی می‌گردد (همان منبع).

مارش، کراون، و دبوس^۱ (۱۹۹۱) خودپنداره را در سه سطح طبقه بندی می‌کنند. خودپنداره کلی، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره غیرتحصیلی، خودپنداره تحصیلی به این که چگونه در مدرسه عمل می‌کنیم و چگونه یاد می‌گیریم، مرتبط است. دانش آموز خودپنداره تحصیلی خودش را در هر یک از دو داوری بیرونی^۲ و درونی^۳ شکل می‌دهد. نخست داوری بیرونی که در این شیوه مهارت‌های فردی در یک موضوع درسی با مهارت دانش‌آموزان دیگر مقایسه می‌شود و در برگزیده مقایسه با معدل دیگر دانش‌آموزان مدرسه، کلاس یا دیگر فراگیران است. دوم داوری درونی، که در این شیوه مهارت‌های فرد در یک موضوع درسی با مهارت‌های در موضوع‌های درسی دیگر و با توجه به اهداف انتخاب شده ی مورد علاقه خود مقایسه می‌شود (نویدی، ۱۳۷۳).

خودپنداره تحصیلی به این که چگونه در مدرسه عمل می‌کنیم و چگونه یاد می‌گیریم مرتبط می‌شود و در دو سطح قرار دارد: خودپنداره تحصیلی عمومی مبنی بر اینکه ما چگونه روی هم رفته عملی کنیم و دیگری مجموع خودپنداره‌های محتوایی ویژه که توضیح می‌دهد چقدر مثلا در ریاضیات، علوم، زبان و ... عمل می‌کنیم (چاپمن، ۱۹۸۸). مهمترین مشخصه خودپنداره تحصیلی هم در حوزه‌های عمومی و هم محتوایی حالتی است که خودپنداره‌ی فرد در نتیجه کنش‌های متقابل و تجارب با دیگران مشخص می‌شود و این واقعیت را تایید می‌کند که خودپنداره‌ی تحصیلی یادگرفتنی و قابل اکتساب در طی زمان است و معلمان نقش مهمی در شکل‌گیری خودپنداره و خودپنداره تحصیلی بچه‌ها دارند (منداگلیو و پیریت^۴، ۲۰۰۳).

اشتیاق دانش آموز به مدرسه^۵ متغیر مهم دیگری است که برای یادگیری حیاتی است تا جایی که از آن به عنوان یک منادی مهم یادگیری یاد می‌شود (زینگیر^۶، ۲۰۰۸). این متغیر همچنین به عنوان نقطه‌ی محوری اکثر نظریات مربوط به افت تحصیلی به حساب می‌آید (فین^۷، ۱۹۸۹). سازه اشتیاق به

^۱.Marsh, Craven & Debus

^۲.External referee

^۳.Internal referee

^۴.Mendaglio,pyryt

^۵.School engagement

^۶.Zyngier,

^۷.Finn

مدرسه ریشه در بخشی از نظریه کنترل اجتماعی (هرشی^۱، ۱۹۶۹) دارد که بر نقش احساسات فردی دلبستگی و تعلق به نهادهای اجتماعی تأکید می‌کند. در این دیدگاه رفتار ضد اجتماعی جوانان بر اساس پیوندهای بین فرد و جامعه تبیین می‌شود، به همین صورت بی‌اشتیاقی نیز می‌تواند نتیجه تضعیف رابطه فرد با نهادهای آموزشی باشد. در نظریه کنترل اجتماعی این پیوندها به وسیله تعهد، باورها، دلبستگی و اشتیاق مشخص می‌شوند. در مدل‌های جدید افت تحصیلی این عناصر نظری بر مفهوم سازی سازه اشتیاق دانش‌آموز تأثیر بسزایی داشته‌اند (آرچامبالت، جانوسز، فالو و پاگانی^۲، ۲۰۰۹). در مدل میانجیگری تینتو^۳ (۱۹۷۵) فرض می‌شود که تعهدات دانش‌آموز نسبت به اهداف آموزشی به طور مستقیم بر میزان درگیری دانش‌آموز با تکالیف مربوط به مدرسه تأثیر می‌گذارد در مقابل اشتیاق به مدرسه نیز بر مدت زمانی که دانش‌آموز در این نهاد سپری می‌کند اثر دارد. در مدل مشارکت-همانند سازی فین (۱۹۸۹) اشتیاق به مدرسه تحت عنوان همانند سازی با مدرسه و مشارکت در آن تعریف می‌شود و این دو عامل هستند که مسئولیت نیازها، مشارکت در فعالیتهای اصلی و فوق برنامه کلاسی را بر عهده دارند. واهلاگ، راتر، اسمیت، لیسکو و فرناندز^۴ (۱۹۸۹) در مدل پیشگیری از افت تحصیلی^۵، مفاهیم اشتیاق آموزشی و عضویت در مدرسه را به عنوان دو گام اولیه ای که در تکامل اجتماعی و فردی شخص در مدرسه نقش دارند معرفی نمودند. در مدل رومبرگر و لارسون^۶ (۱۹۹۸) نیز اشتیاق با دو مؤلفه تحصیلی و اجتماعی که در سازگاری تحصیلی نقش دارند مشخص می‌شود. در این مدل اشتیاق اجتماعی با رفتارهایی چون حضور در کلاس، قبول مقررات و مشارکت فعال در فعالیتهای مرتبط به کلاس تعریف می‌شود و اشتیاق تحصیلی نیز نگرشهای دانش‌آموز نسبت به مدرسه و توانایی برآوردن انتظارات عملکرد^۷ را شامل می‌شود. در مدل‌های جدید (برای مثال فریدریک، بلومنفیلد و پاریس^۸، ۲۰۰۴) نیز اعتقاد بر این است که دانش‌آموز دارای ابعاد رفتاری (آن دسته از رفتارهای دانش‌آموز نظیر رفتارهای مثبت، پرداختن به تکالیف درسی و مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه که برای سازگاری روانی اجتماعی و پیشرفت دانش‌آموز در مدرسه مفیدند)، عاطفی (احساسات، علائق، ادراکات و نگرشهای دانش‌آموز نسبت به مدرسه) و شناختی (نیروگذاری روان شناختی دانش‌آموزان در امر

¹.Hirshi

².Archambault, , Janosz, Fallu &Pagani

³.Tinto,

⁴.Wehlage, Rutter, Smith, Lesko& Fernandez

⁵.Dropout prevention model

⁶.Rumberger& Larson

⁷.Performance expectations

⁸.Fredricks, J. A., Blumenfeld& Paris

یادگیری و کاربرد راهبردهای خود تنظیمی توسط آنها) است که هر کدام به نحوی عملکرد تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار می دهند. در مطالعه آرچامبالت و همکاران (۲۰۰۹) اشتیاق کلی به مدرسه به طور منفی افت تحصیلی را پیش بینی کرد، در بین مؤلفه های آن نیز تنها مؤلفه رفتاری، نقش معنی داری در معادله پیش بینی داشت.

در دوران رشد از میان مهارت های مهم که نوجوانان باید کسب بکنند مهارت های تحصیلی و عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی حائز اهمیت هستند. شکست و مشکلات تحصیلی ممکن است نه تنها کودکان را در برابر مشکلات روانشناسی دیگر آسیب پذیر بکند بلکه ممکن است نشانگر مشکلات روان شناختی از قبل موجود نیز باشد. با توجه به اینکه کودکان بی سرپرست از منابع مهم حمایت محروم هستند آنها در معرض خطر برای اختلالات روانی و ارتباطی قرار دارند. محتمل به نظر می رسد که بعضی از این نوجوانان ممکن است دچار مشکلات تحصیلی بشوند و کودکانی که در آنها مشکلات تحصیلی تظاهر می کند به شکست تحصیلی و اختلالات روانی آسیب پذیر هستند. با مطالعه ارتباط انگیزش تحصیلی، خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی مرتبط است مطالعه این عوامل می تواند تصویر بهتری از وضعیت تحصیلی نوجوانان بی سرپرست را فراهم کند.

با توجه به شواهد موجود هدف این پژوهش بررسی رابطه بین انگیزش تحصیلی، خود پنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بی سرپرست می باشد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش:

پیشرفت تحصیلی به خصوص در دوره نوجوانی و راهنمایی و دبیرستان حائز اهمیت است و چون تعیین کننده مسیر تحصیلی و شاید حرفه ای افراد خواهد بود. افرادی که از پیشرفت تحصیلی نامساعد برخوردار هستند از انتخاب ها، حرکت به سوی یک شغل یا حرفه مناسب محروم می شوند. به همین ترتیب از آنجایی که کودکان و نوجوانان بی سرپرست از منابع هدایت و حمایت مهم یعنی والدین محروم اند، احتمال می رود که در معرض خطر بیشتری از جمله مشکلات تحصیلی قرار داشته باشند. شناسایی درصد کودکان و نوجوانانی که مشکلات تحصیلی دارند و شناسایی بعضی عوامل مرتبط با آن می تواند به عنوان قدم اول در پیشگیری از مشکلات جدی تر در بزرگسالی باشد. با شناسایی وسعت و ابعاد مشکلات تحصیلی کودکان و نوجوانان بی سرپرست می توان اقدامات مناسبی جهت کمک به این کودکان به منظور افزایش انگیزه به تحصیل، خودپنداره و درگیری تحصیلی و نهایتاً افزایش پیشرفت تحصیلی آنان انجام